



Assessing the Status of Urbanism in Surrounding Villages (Case Study: Villages around Darab City)

Fazelniya, G.^a, Nasimi, H.R.^{b,1}

^a Assistant professor of Geography and Rural Planning, Zabol University, Zabol, Iran.

^b MSc of Geography and Rural Planning, Zabol University, Zabol, Iran.

Research Article

ABSTRACT

Objective: In recent years, growing rural communities have been affected by urbanism processes in various areas of their lives. Undoubtedly, locating villages around urban areas are influenced by the intensity of their urbanism processes. Accordingly, the purpose of this study is to assess the situation of urbanism in the villages surrounding Darab city.

Methods: This research is a descriptive-analytical method that documentary method is used to study the history and explanation of the problem and a survey method for collecting information related to urbanism in the surrounding villages. In this regard, according to the number of 3719 households in the villages surveyed, using the Cochran formula and correction, 318 households were calculated as sample size. Sample households were selected to complete the questionnaires by simple random sampling. Data analysis was performed using descriptive, inferential statistics and Vikor model with Excel, SPSS and ArcGIS software.

Results: Results of the research confirm that there is a significant difference between the level of urbanism variables with 99% confidence, and the component related to the status of constructions has the highest level of urbanism. Also, the results of Kruskal-Wallis test confirm that there is a significant difference between the studied villages at 1% error level. Based on the results of the ranking of the model used, the Tanghe-Katuyeh village was evaluated in the highest and Akbarabad village was evaluated in the lowest level of urbanization status.

Conclusion: Therefore, urbanism was different among the studied villages and its rate in each village has a significant correlation with two variables of distance to the city and the population of each village.

Keywords: Urbanism, Village, Surrounding, Darab City.

Received: April 12, 2020 Reviewed: August 03, 2020 Accepted: October 10, 2020 Published online: March 21, 2021

Citation: Fazelniya, G., Nasimi, H.R. (2021). *Assessing the Status of Urbanism in Surrounding Villages (Case Study: Villages around Darab City)*. Journal of Urban Social Geography, 8(1), 173-192. (In Persian)

DOI: [10.22103/JUSG.2021.2038](https://doi.org/10.22103/JUSG.2021.2038)

¹ Corresponding author at: Zabol University, Zabol, Iran, P.C: 7481816733. E-mail address: hnasimee@gmail.com (Nasimi, H.R).



ارزیابی وضعیت شهرگرایی در روستاهای پیراشهری (مطالعه موردی: روستاهای پیرامون شهر داراب)

غریب فاضل‌نیا^a، حمیدرضا نسیمی^b و^۱

^a دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زابل، زابل، ایران.
^b کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زابل، زابل، ایران.

مقاله پژوهشی

چکیده

تبیین موضوع: در سال‌های اخیر، جوامع روستایی با رشدی روزافزون در عرصه‌های مختلف زندگی، متأثر از فرآیندهای شهرگرایی بوده‌اند. بی‌تردید واقع‌شدن روستاها در پیرامون نقاط شهری، بر شدت روندهای شهرگرایی آن‌ها اثرگذار خواهد بود. بر این اساس، هدف تحقیق حاضر ارزیابی وضعیت شهرگرایی در روستاهای پیرامون شهر داراب می‌باشد.

روش: این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی است که از روش اسنادی برای بررسی سوابق و تبیین مسئله و از روش پیمایشی برای جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با شهرگرایی در روستاهای پیراشهری استفاده شده است. در این راستا، با توجه به تعداد ۳۷۱۹ خانوار ساکن در روستاهای مورد مطالعه و استفاده از فرمول کوکران و تصحیح، تعداد ۳۱۸ خانوار به‌عنوان حجم نمونه محاسبه گردید. انتخاب خانوارهای نمونه به‌منظور تکمیل پرسشنامه‌های تحقیق با روش تصادفی ساده صورت گرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش‌های آمار توصیفی، استنباطی و مدل Vikor و با کمک نرم‌افزارهای SPSS، Excel و ArcGIS انجام گردیده است.

یافته‌ها: یافته‌ها پژوهش مؤید آن است که با اطمینان ۹۹ درصد، در روستاهای مورد بررسی اختلاف معناداری بین سطح متغیرهای شهرگرایی وجود دارد و مؤلفه مربوط به وضعیت ساخت‌وسازها دارای بالاترین سطح از شهرگرایی می‌باشد. همچنین نتایج آزمون کروسکال والیس مؤید آن است که در سطح خطای ۱ درصد، تفاوت معناداری در بین هریک از روستاهای مورد مطالعه وجود دارد. به طوری که بر مبنای نتایج رتبه‌بندی مدل مورد استفاده، روستای تنگه‌کتویه در بالاترین و روستای اکبرآباد در پایین‌ترین سطح از وضعیت شهرگرایی ارزیابی شده‌اند.

نتایج: بنابراین شهرگرایی در بین روستاهای مورد مطالعه متفاوت بوده و میزان آن در هر روستا با دو متغیر فاصله تا شهر و جمعیت هر روستا، دارای همبستگی معناداری می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: شهرگرایی، روستا، پیراشهر، شهر داراب.

انتشار آنلاین: ۱۴۰۰/۰۱/۰۱

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۹

بازنگری: ۱۳۹۹/۰۵/۱۳

دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۴

استناد: فاضل‌نیا، غریب، نسیمی، حمیدرضا (۱۴۰۰). *ارزیابی وضعیت شهرگرایی در روستاهای پیراشهری (مطالعه موردی: روستاهای پیرامون شهر داراب)*. دوفصلنامه جغرافیای شهری، ۸ (۱)، ۱۹۲-۱۷۳.

DOI: [10.22103/JUSG.2021.2038](https://doi.org/10.22103/JUSG.2021.2038)

مقدمه

از برجسته‌ترین عوامل مؤثر در توسعه دنیای درحال توسعه و از مهم‌ترین رخدادهای تاریخ بشری، روند شهرگرایی جوامع می‌باشد. به نحوی که تمام شئون زندگی افراد در عرصه‌ها و رویدادهای مختلف به شکل فزاینده‌ای تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (بزرگمهر و شریفی، ۱۳۹۴: ۱) و به‌عنوان آمیزه‌ای از هراس‌ها و آزادی‌ها، همچون انقلابی گریزن‌ناپذیر و غیرقابل‌برگشت بر جوامع کوچک انسانی تحمیل می‌گردد (رفیعی و دباغی، ۱۳۹۵: ۶۱۴).

شهرگرایی پدیده کاملاً جدید نیست و همواره از نظر کیفی در حال تحول می‌باشد (دهشیری، ۱۳۹۴: ۴۷) اما زمینه‌ساز شکل‌گیری رابطه‌های غیرقابل‌انکاری بین سطوح محلی، ملی و حتی بین‌المللی گردیده است (نجارزاده، ۱۳۹۱: ۱۴۴؛ به نقل از Roberts, 2008). در این راستا، امروزه گره‌های شهرگرایی چنان در هم پیچیده شده‌اند که دیگر کمتر جامعه‌ای را می‌توان فرورفته در هاله‌ای از انزوا یافت نمود (گیدنز و بردسال، ۱۳۹۶: ۷۶). لذا، یکسان‌سازی میراث بی‌بدیل سبک‌های متنوع زندگی جوامع، یکی از جدی‌ترین و برجسته‌ترین عارضه‌های شهرگرایی در عصر حاضر به حساب می‌آید که فرهنگ‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (دهقانی، ۱۳۹۶: ۳۷-۳۶)؛ بنابراین در شهرگرایی یکپارچه، به‌عنوان پدیده‌ای فراگیر و خارج از کنترل، دیگر آن‌چنان تمایز هویتی بین نواحی شهری و روستایی وجود نخواهد داشت؛ با این حال به نظر می‌رسد جوامع روستایی، این پدیده را به‌طور خاص و عمیق‌تر تجربه می‌کنند؛ زیرا روستاها در سراسر جهان به‌عنوان فضاهایی با هویت، فرهنگ، شیوه معیشت مربوط به خود، در مقیاس محلی به‌طور روزافزون در معرض تغییرات شدید و شهرگرایی هستند (وودز^۲، ۱۳۹۰: ۴۷) و نزدیکی آن‌ها به شهر (به‌عنوان مرکز توزیع خدمات و امکانات متنوع) می‌تواند به دلیل دسترسی عمیق و فراگیر به انواع منابع، به‌گونه‌ای متفاوت و سریع‌تر، مناطق روستایی کشور را در معرض شهرگرایی قرار دهد. البته این فرآیند فرصت‌های جدیدی را فرا روی ساکنین روستاها می‌گشاید و موجب درهم تنیدگی و پیوند فزاینده تمام جنبه‌های زندگی ساکنان با یکدیگر در عرصه‌های مختلف می‌گردد (ذکایی، ۱۳۸۶: ۲۵).

با توسعه ابزارهایی همچون نیروی عظیم تبلیغات، اثرات نازدودنی بر کیفیت زندگی در هر نقطه‌ای از دنیا بر جای مانده است. به‌طوری‌که روستاهای ایران در دهه‌های اخیر، با رشدی روزافزون متأثر از فرایندهای شهرگرایی مواجه بوده‌اند. به همین دلیل هم‌اکنون محیط‌های روستایی در ابعاد مختلف زندگی محلی خود، تحت تأثیر این پدیده و فرآیندهای ناشی از آن قرار گرفته‌اند (دهقانی، ۱۳۹۶: ۳۶). از این حیث، روستاهای پیرامون شهر داراب، به نسبت سایر روستاهایی که در فواصل دورتری از مرکز قرار دارند، به دلیل نزدیکی و دسترسی بهتر به شهر داراب، به‌عنوان مکان تمرکز انواع خدمات و امکانات متنوع، سرمایه، جریان‌ها و امثال آن، با پیشرفت‌های بیشتر و سریع‌تری نسبت به دیگر روستاها برخوردار بوده‌اند و حتی در مواردی پذیرای دو جریان مهاجرتی از سایر روستاها به خود و مهاجرت‌های شهر گریز بوده‌اند که در نتیجه این روندها، تغییراتی در ساختارهای پیشین این جوامع در زمینه‌هایی از جمله؛ آداب‌ورسوم، عقاید، ارزش‌ها، ایده‌آل‌ها، هنجارپذیری و هنجارسازی‌ها به وجود آمده است و وضعیت رفتاری، اوقات فراغت، وضعیت مسکن، الگوی مصرف، وسایل خانگی، تزئینات منزل، خوراک، پوشاک و غیره در این سال‌ها به‌شدت تغییر کرده است (ازکیا و حسینی‌رودبارکی، ۱۳۸۸: ۲۴۳). لذا با توجه به اینکه بخش عمده جمعیت آسیب‌پذیر در مناطق و بافت‌های روستایی به عنوان بخش پایه زندگی می‌کنند (حیدری‌ساربان و عبدپور، ۱۳۹۸: ۲۴)، با بررسی و تحلیل این روند در این جوامع، می‌توان از هنجارها، ارزش‌های پنهان و سایر آثار و تبعات آن، مطلع شد و از جهت‌گیری‌ها و الگوهای موجود یا در حال شکل‌گیری، تفسیر و تصویر واقع‌بینانه‌تری ارائه داد تا این دگرگون‌سازی ساختارها در نواحی روستایی، به عنوان جزئی از فرآیند توسعه، در جهت کاهش نابرابری‌های نواحی روستایی برای بهبود وضع زندگی مردم باشد (محمدی و همکاران،

1. Giddens & Birdsall

2. Woods

۱۳۹۹: ۵۸). در این راستا، ملاحظه‌ی مطالعات پیشین نیز مؤید آن است که تاکنون در ارتباط با وضعیت شهرگرایی در روستاهای پیراشهری، تحقیقی صورت نگرفته است که این امر، به‌عنوان یک اقدام نو در پژوهش‌های جغرافیایی، با هدف ارزیابی وضعیت شهرگرایی زندگی در روستاهای پیرامون شهر داراب در استان فارس، حائز اهمیت خواهد بود و می‌تواند جهت ارائه رهنمودهایی برای بازخوردهای مطلوب، اصلاح مشکلات و به‌طور کلی، برای بازشناسی راهبردهای قبل و طراحی سیاست‌های آینده استفاده شود (Lee, 2008: 1207). به هر حال پژوهش حاضر ضمن بررسی ابعاد شهرگرایی در محدوده مورد مطالعه و ارزیابی نقش نزدیکی روستاها به مرکز شهرستان داراب، به دنبال پاسخ به این سؤال اساسی می‌باشد که وضعیت شهرگرایی روستاهای مورد مطالعه در پیرامون شهر داراب چگونه بوده است؟

پیشینه نظری

بی‌تردید انسان‌ها نمی‌توانند به تنهایی زندگی کنند بلکه می‌بایست در کنار یکدیگر و باهم زندگی کنند زیرا که دستیابی به نیازها و اهداف مختلف، نیازمند به وجود یک واحد اجتماعی می‌باشد حال آنکه هرچه این مجموعه بزرگتر و توسعه یافته‌تر باشد در پاسخ‌گویی به نیازهای افراد، موفق‌تر و برای افراد جذاب‌تر خواهد بود و البته راه‌حلی برای رسیدن به امنیت و آرامش روانی و نیز رفع نگرانی عمومی به منظور دستیابی به توسعه و پیشرفت، رفاه، خدمات، مدیریت، ارتباطات و غیره تلقی می‌گردد (Ramandei, 2020: 142-143).

در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم، شهرگرایی پرشتاب در جهان غرب، واکنش‌های مهمی را در بسیاری از رشته‌ها برانگیخت و هر یک به‌طور مستقل و از مسیری خاص در پی فهم این تحولات و پاسخ‌های درخور به این روند روبه رشد بوده‌اند (ملک‌پوراصل، ۱۳۹۸: ۲۴).

شهرگرایی به عنوان سبک‌های خاصی از زندگی شامل روابط اجتماعی، نهادها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، ایده‌ها و نقطه نظرانی است که بر شهر و محیط شهری، همچنین جنبه‌های مختلف آن نظر دارد که البته به وضوح از شیوه زیست و فرهنگ دیگر مردمان متفاوت می‌باشد و در موازات شهرها صورت می‌گیرد و هر روز افراد بیشتری تابع آن می‌گردند. این مفهوم از تبعات انقلاب صنعتی، شیوع فردباوری، شیوه‌های نوین حکومت و از نمودهای زندگی در دوران جدید به حساب می‌آید که زمینه‌ساز بسیاری از تحولات شده است. از این‌رو، این رویکرد که یک فوریت و پویایی مضاعفی را به جغرافیای انسانی اضافه نموده است، به یک دل‌مشغولی برای بسیاری از پژوهشگران و صاحب‌نظران تبدیل شده است (مورای^۱، ۱۳۸۸: ۴۵۵). به نحوی که در تعابیر و اصطلاحاتی نظیر، شیوه‌ای از زندگی (لوئیث و برت^۲، ۱۹۳۸)، جهان‌شمولی ایدئولوژی (فوکویاما^۳، ۱۹۸۹)، جهان بدون مرز (اوهمای^۴، ۱۹۹۰)، زوال و مرگ فاصله (کایرنکوس^۵، ۱۹۹۷)، مرگ کشور (مورگان^۶، ۲۰۰۱: ۴)، بی‌اهمیتی مکان فیزیکی (فریدمن^۷، ۲۰۰۵)، رها شدن از هویت محلی و ملی و تبدیل شدن انسان به موجودی بی‌مکان (دوچارتایگ^۸، ۲۰۰۷: ۲) به این مفهوم و فرآیندهایی که از آن به کار برده‌اند پرداخته شده است (ویسی، ۱۳۹۶: ۵۲). بنابراین جهان معاصر، جهان مواجهه با جهانی‌شدن و شهرگرایی‌های بی‌شمار می‌باشد (رفیعی و دباغی، ۱۳۹۵: ۶۱۴) و تداعی‌گر تصویری از هم پیوندی‌ها، مراودات و ارتباطات میان جوامع و معاوضه با تعصب‌های کهنه و همین‌طور نوید دهنده آینده‌ای است که در آن تمام ریشه‌های جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی و

1. Murry
2. Wirth
3. Fukuyama
4. Ohmae
5. Cairncoss
6. Morgan
7. Friedman
8. Dochartaigh

منازعات اجتماعی خشکیده می‌شود (هابرماس، ۱۳۹۲: ۱)، نظم سنتی فضا و زمان برهم می‌خورد و در گستره‌های نامتناهی با یکدیگر ترکیب و هماهنگ شده و امکان کنش و روابط اجتماعی را در جامعه‌ای بسیار بزرگ‌تر فراهم می‌آورد و سرانجام منتج به حرکت روان‌تر، سریع‌تر، گسترده‌تر و آزادانه کالا، انسان، اطلاعات و سرمایه نسبت به قبل می‌گردد (باقری و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۸) و بازخورد این روند به‌گونه‌ای خواهد بود که هر رویداد یا اتفاقی که در بعد محلی روستا رخ دهد، از حوادث مکان بزرگ‌تر متأثر بوده و در مقابل، قادر است بر وقوع حوادث در مکان‌های دیگر تأثیر بگذارد؛ بنابراین، شهرگرایی می‌تواند یک فرآیند یا مجموعه‌ای از فرآیندها باشد که با فروریختن مرزهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و غیره به همگونی و همسانی در این زمینه‌ها منجر می‌گردد (رفیعی و دباغی، ۱۳۹۵: ۶۱۶) که بی‌تردید، اثرگذاری نزدیکی به شهرها (به‌عنوان قطب‌های رشد و مراکز توزیع خدمات به سایر مناطق) در روند شهرگرایی انکارناپذیر خواهد بود و سبب بازآفرینی در زمینه فقدان قدرت کنترل آینده خود، چندپارگی اجتماعی، از دست دادن اعتقاد در سطح کلان نظام‌های سیاسی (Alston, 2007: 197) در مقیاس بزرگ‌تر می‌شود. از این حیث می‌توان به برخی از نظریات اشاره نمود: فریدمن راهبرد توسعه شتابان روستایی را گزینه‌ی مناسب توسعه یا راهبرد دوم در مقابل راهبرد توسعه اقتصادی، به‌عنوان راهبرد اول در کشورهای در حال توسعه، مطرح می‌سازد. به اعتقاد وی، روستا-شهر روش عملیاتی کردن راهبرد توسعه شتابان روستایی برای اجرای این راهبرد به شمار می‌رود. اولین گام‌ها برای اجرای این راهبرد شامل مراحل تغییر چهره نواحی روستایی از طریق انطباق عناصر شهری، گسترش شبکه کنش‌های متقابل اجتماعی در نواحی روستایی، کاهش نابسامانی اجتماعی در مسیر توسعه، تثبیت درآمد روستایی-شهری و کاهش اختلاف درآمدی، اتصال نواحی روستا-شهری به شبکه‌ی ارتباطی منطقه‌ای، طراحی نظام تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی متناسب با ویژگی‌های محیطی و فراهم ساختن منابع مالی برای توسعه روستا-شهری می‌باشد (جمعه‌پور، ۱۳۹۶: ۱۰۶). از طرف دیگر، یوفرد^۱ با ارائه نظریه عملکرد شهری و توسعه‌ی روستایی، به دنبال راه‌های افزایش میزان دسترسی مردم روستایی به شهر است. این راهبرد، روابط میان عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی، توزیع فضایی خدمات، تسهیلات، زیرساخت‌ها و فعالیت‌های مولد را در مناطق روستایی، مورد آزمون قرار می‌دهد و عملکردهای اجتماعی و اقتصادی مهم را که باید در هر منطقه اجرایی شود، برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان مطرح می‌کند (زیاری، ۱۳۹۶: ۱۲۷). همچنین نظریه مکان مرکزی، وابستگی‌های میان شهر و روستا را بیان می‌کند که هراندازه مادر شهر ناحیه‌ای (به‌عنوان مکان‌های مرکزی) بزرگ‌تر باشد، میزان ارائه خدمات نیز بیشتر می‌شود (حسین‌زاده‌دلیر، ۱۳۹۳: ۶۱).

از طرف دیگر، درخصوص مفهوم پیراشهری می‌توان گفت که ریشه این اصطلاح هنوز کاملاً مشخص نیست اما اهمیت آن از حدود یک قرن پیش در نتیجه محدود شدن دوگانگی بین شهر و روستا مشخص گردید. این سکونتگاه‌ها که با اصطلاحاتی مانند روستا شهر، حومه‌شهر، لبه‌شهر و پیراشهر معرفی می‌شوند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۵) به نقل از سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اروپا، (۱۹۷۹: ۴) نیز عبارتند از روستاهای واقع در حاشیه شهرها که در پی گسترش فیزیکی آن‌ها به زندگی خود ادامه می‌دهند. مناطق پیراشهری و حوزه‌های پیرامونی بیشتر متأثر از تمایلات توسعه شهری می‌باشند که جایگاه و اهمیت ویژه‌ای در مطالعات شهر و پیرامون آن دارند (Sieverts, 2003: 13). پیراشهرنشینی نیز طیفی از نواحی روستایی تازه شهری شده را دربر می‌گیرد که از دو منظر موردتوجه است. از منظر کیفی به معنای رشد سبک زندگی شهری در نواحی روستایی و از منظر کمی نمایانگر گسترش زیرساخت‌های شهری و افزایش مستمر جمعیت می‌باشد (دانشپور و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱) که حتی با جذب جمعیت به آستانه تعریف شهر نزدیک می‌شوند و ظرف مدت کوتاهی، به‌عنوان شهرهایی نوظهور با سابقه‌ی روستایی سر برمی‌آورند، بدین ترتیب پیراشهر به

1. Urban Function & Rural Development Theory (Yoford)

فضایی منفک و منفصل از شهر اما تحت تأثیر روند شهرنشینی اشاره دارد که به عنوان ناحیه گذار بین شهر و پسرکانه روستایی اش توصیف می‌شود. پیراشهرنشینی و توسعه نواحی پیراشهری پدیده‌ایست که تحت تأثیر فرآیندهای شهرگرایی و ویژگی‌های محلی، ساختار فضایی متفاوتی به خود می‌گیرد؛ بنابراین باید با نگاهی فراتر از تقسیم‌بندی‌های مرسوم بین نواحی شهری و روستایی به بررسی نوع جدیدی از فضا پرداخت (دانشپور و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱). در این بین، روستاها به طور معمول در کشورهای در حال توسعه از جمله مکان‌هایی هستند که اغلب روستاییان از سطح کیفیت زندگی و رفاه پایینی برخوردارند و تمرکز فقر در آن‌ها بالا می‌باشد (سجاسی‌قیداری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۰)، این نواحی به دلیل برخورداری از موقعیت ویژه فضایی همواره تحت فشار تقاضای فزاینده برای سکونت و فعالیت از سوی افراد گوناگون از سایر روستاها و از اقبال ضعیف خود شهر قرار دارند که البته در گذر روند شهرگرایی، زندگی افراد نیز در بخش‌های مختلف دستخوش تغییر و تحولات گوناگونی قرار می‌گیرد و نهایتاً وضعیت تغییرات حاصله، در روستاها و بر روستاییان قابل ملاحظه می‌باشد.

پیشینه عملی

با ارزیابی و مرور ادبیات نظری مشخص گشت که حجم مطالعات تجربی و میدانی مسئله تغییر و تحولات اجتماعات محلی با در نظر گرفتن نقش فرآیندهای شهرگرایی در جوامع روستایی و محلی کمتر مورد استقبال قرار گرفته است (وثوقی و همکاران، ۱۳۸۸: ۵) که از این رو در قالب پیشینه تحقیق به برخی از مهم‌ترین مطالعات خارجی در این زمینه اشاره می‌شود:

وثوقی و همکاران (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای که به تحولات ساختاری جامعه روستایی پرداختند بیان داشتند که تأثیر فرآیندهای شهرگرایی در اجتماعات محلی غیر قابل انکار است، امروزه دیگر هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که در انزوای مطلق به سر ببرد و روابط متقابلی را با دنیای پیرامون نداشته باشد.

نجارزاده، (۱۳۹۱)، در مطالعه‌ای در روستاهای دهستان برآن جنوبی از شهرستان اصفهان نشان داد که ویژگی‌ها و شکل‌های شهرگرایی گاه در قالب نیازها و تقاضاهای محلی در می‌آید. در منطقه یاد شده، سبک زندگی بیشتر در راستای پیوندزنی فرهنگی صدق می‌کند.

سجاسی‌قیداری و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی به تغییرات سبک زندگی در نواحی روستایی دهستان روشن‌آباد پرداختند. نتایج حاصل مؤید اثرات شهرگرایی در قالب همه ابعاد و شاخص‌های سبک زندگی به خصوص در بعد سبک زندگی اجتماعی مشاهده شده است، به طوری که افراد جوان گرایش به سبک زندگی شهری و افراد مسن گرایش به سبک زندگی بومی روستایی دارند.

قاسمی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی پیرامون کیفیت زندگی در روستاهای پیراشهر کلان‌شهر مشهد بیان نمودند که این روستاها به جهت مجاورت با کلان‌شهر مشهد، دارای امتیازات خاصی نسبت به سایر روستاهای شهرستان هستند.

فرامرزی‌عوری و همکاران (۱۳۹۸)، در تحقیقی هم‌راستای موضوع پژوهش حاضر نشان دادند که شهرگرایی به عنوان یک رویکرد پایدار انسان محور، با ارائه معیارهایی جامع در حوزه‌های مختلف، سعی در ایجاد محیط‌های شهری به صورت کارا و مطلوب و نیز خلق و ترویج زندگی شهری به صورت آرام و بدون استرس و البته با نشاط را دارد و این روند می‌تواند به عنوان یک رویکرد در برنامه‌ریزی، طراحی و توسعه سکونتگاه‌های انسانی مورد توجه قرار گیرد.

بی‌هوپر^۱ (۲۰۰۹)، در مطالعه‌ای با عنوان «شهرگرایی پاسخی به فرایندهای شهرنشینی جدید» که به روش اسنادی انجام گردید شهرگرایی را متأثر از جهانی‌شدن، فضای شهری مدرن، سیاست‌های جنسیتی، جوانان، قومیت و طبقات دانسته است.

عزیزی و همکاران، (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای که در جوامع روستایی شهرستان کرمانشاه انجام دادند نشان دادند که شهرگرایی در ابعاد گوناگون بر محیط‌های روستایی تأثیرگذار بوده است. نشانه‌های حاصل از تغییرات شهرگرایی در زمینه‌هایی همچون صنعتی سازی روستاها، جهانی‌سازی فرهنگ، فردگرایی، افزایش استفاده از رسانه‌ها در این پژوهش بارزتر به‌دست‌آمده است.

لامپیک^۲ و همکاران، (۲۰۱۲)، در مطالعه‌ای به بررسی اثرات شهرگرایی بر مناطق روستایی اسلونی پراختند، یافته‌های این تحقیق نشان داد که شهرگرایی منجر به باز ساخت اقتصادی روستاها در اسلونی شده است. از طرفی دیگر قرارگیری در محدوده اتحادیه اروپا، فرصت‌ها و تهدیدهای متعددی را برای روستاییان ایجاد کرده است.

مانجوناتا^۳، (۲۰۱۴)، در پژوهشی به اثرات شهرگرایی بر زندگی شهری و روستایی جامعه هند پرداخت و بیان نمود که شهرگرایی در محیط‌های روستایی اثرات مثبت و منفی زیادی در این جوامع داشته است؛ اما به لحاظ برنامه‌ریزی باید تلاش شود در بلندمدت اثرات منفی شهرگرایی کنترل شده و از اثرات مثبت آن، استفاده حداکثری انجام گیرد.

سان^۴ و همکاران (۲۰۱۷)، در تحقیقی در زمینه تکامل مکانی ساکنان روستاهای اطراف شهرستان ژانگجاکو دریافتند که مساحت شهرک‌های روستایی در طول سال‌های اخیر افزایش یافته است و همچنین با توسعه اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری در فناوری‌های کشاورزی و بهبود زیربنایی همراه بوده‌اند و شرایط برای دستیابی ساکنان به توسعه، ادغام شهری و روستایی و ارتقاء ساخت‌وساز یک‌شکل جدید روستایی نیز فراهم شده است.

راماندی^۵ (۲۰۲۰)، در تحقیقی مقایسه‌ای بین دو منطقه روستایی که انجام داد بیان نمود سطح انضباط، خدمات، توسعه، انگیزه، صرفه‌جویی در هزینه‌ها، سطح کارایی، سطح تصمیم‌گیری‌ها، ساختار، ارتباطات، مدیریت و انجام وظایف با نزدیکی به مرکزیت در وضعیت مطلوب‌تری بوده است و به نقش مؤثر میزان فاصله تا مرکز تأکید دارد.

داده‌ها و روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش و ماهیت توصیفی-تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری داده‌ها، ترکیبی از روش‌های اسنادی و میدانی است. بدین ترتیب که پس از بررسی منابع مرتبط با موضوع تحقیق، مطالعات اولیه میدانی و تدوین مبانی نظری، فهرست جامعی از شاخص‌ها و نشانگرهای منطبق با موضوع، متناسب با شرایط منطقه مورد مطالعه تعیین گردید (جدول ۱) که در نمره دهی به شاخص‌ها به صورت طیف لیکرت، از ۱ تا ۵ (خیلی کم تا خیلی زیاد) اقدام شد. همچنین در جهت تعیین حجم نمونه خانوارهای پاسخگو بر اساس گزارش جمعیتی سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، از فرمول کوکران در سطح اطمینان ۹۵ درصد و همچنین فرمول تصحیح بهره‌گیری شد که از مجموع ۳۷۱۹ خانوار ساکن در روستاهای مورد مطالعه، تعداد ۳۱۸ خانوار محاسبه گردید و به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده مورد پرسشگری قرار گرفتند. برای آزمون روایی پرسشنامه از روایی صوری و محتوایی استفاده شد، به طوری که مطابق با تکنیک دلفی، پرسشنامه در اختیار اساتید و کارشناسان مربوطه قرار گرفت و پس از چند بار بازبینی به تأیید نهایی رسید.

1. Hooper

2. Lampic

3. Manjunatha

4. Sun

5. Ramandei

پایایی پرسشنامه تحقیق نیز به روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. این ضریب از عمومی‌ترین ضریب است که توسط پژوهشگران علوم اجتماعی برای سنجش پایایی ابزارهای مختلف جمع‌آوری داده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد (عناستانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۵). بر این اساس، ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای مورد بحث در زمینه شهرگرایی، ۰/۸۵۹ محاسبه گردید. در نتیجه، اجزای درونی مقیاس دارای همبستگی قوی با یکدیگر هستند و پایایی پرسشنامه تأیید می‌شود.

جدول ۱- مؤلفه‌ها و شاخص‌های تحقیق در ارزیابی وضعیت شهرگرایی روستاهای پیرامون شهر داراب

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
نگرش روستاییان	وضعیت سطح آگاهی در محیط‌های روستایی، حذف و رنگ‌بختگی تدریجی آداب‌ورسوم و سن‌های پیشین، فردگرایی و کم‌رنگ شدن ارتباطات اجتماعی، میزان حضور و همفکری زنان در امور روستا، تخصیص منزل به مکانی برای استراحت و آرامش نه سایر کارکردها.
شرایط زندگی در روستا	تغییر در نگرش جوانان نسبت به زندگی در روستا، وضعیت امنیت و آرامش در روستا، ترجیح فراغت‌های لذت-جویانه به فایده‌گرایانه، تأمین نیازهای روزمره توسط فروشگاه‌های روستایی، رعایت بهداشت عمومی و حفظ پاکیزگی محیط.
نوگرایی	خروج روستا از انزوا با پیشرفت فن‌آوری و ارتباطات، الکترونیکی شدن بخش‌هایی از امور و زندگی در روستا، میزان گرایش به مصرف کالاهای متنوع و وسایل غیرضروری زندگی، استفاده از واژه‌ها و اصطلاحات جدید.
جهانی شدن	وضعیت ارتباط روستاییان با شهر، وضعیت رواج شرایط زندگی شهری در محیط‌های روستایی، میزان تعامل با نهادهای دولتی، تسلط بازارهای بیرونی بر بازارهای روستایی.
وضعیت ساخت‌وسازها	تمایل به نوسازی منازل، ساخت‌وسازهای با معماری غیربومی و مصالح جدید، وضعیت خدمات زیربنایی و عمومی، میزان زیباسازی و منظر مطلوب در روستا، کیفیت فضاهای تفریح همچون پارک.

منبع: یافته‌های تحقیق

در تجزیه و تحلیل داده‌ها، پس از استانداردسازی شاخص‌های مورد بحث، ابتدا با دو روش آمار توصیفی و استنباطی و استفاده از نرم‌افزار SPSS، وضعیت شهرگرایی در روستاهای پیرامون شهر داراب مورد سنجش قرار گرفته است. به این صورت که جهت افزایش صحت و دقت تحقیق، ابتدا وضعیت نرمال بودن یا نبودن متغیرهای مورد ارزیابی وضعیت شهرگرایی در روستاهای پیرامون شهر داراب با بهره‌گیری از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف محاسبه و مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به مقدار p-value حاصل از این آزمون که از سطح خطای ۰/۰۵ کمتر حاصل گردید، استنتاج شد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، توزیع داده‌ها غیرنرمال می‌باشد. از این رو، از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده گردید. سپس در جهت رتبه‌بندی روستاهای مورد مطالعه بر اساس مدل ارزیابی چند معیاره، از تکنیک Vikor استفاده گردیده است. در این راستا، ارزش شاخص مطلوبیت (S)، شاخص نارضایتی (R) و شاخص ویکور (Q) که همان امتیاز نهایی هر گزینه است، سنجیده می‌شود (اصغری لقمجانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸۱). از آنجا که در مطالعات مربوط به سطح‌بندی، وزن شاخص‌ها می‌تواند متفاوت باشد و از طرفی روش‌های مختلفی جهت وزن‌دهی به شاخص‌ها برای بیان اهمیت هر یک از آن‌ها وجود دارد (قادری، ۱۳۹۵، ۸۹)، به منظور افزایش صحت و دقت نتایج حاصله از این پژوهش بر پایه‌ی مدل ارزیابی چند معیاری، هریک از شاخص‌ها توسط روش آنتروپی^۱، اهمیت‌گذاری گردیده است. آنتروپی یک مفهوم عمده در علوم فیزیکی، علوم اجتماعی و تئوری اطلاعات می‌باشد. به طوری که نشان‌دهنده مقدار عدم اطمینان موجود از محتوای مورد انتظار اطلاعات یک پیام است (میرکتولی و کنعانی، ۱۳۹۰: ۳۶). همچنین سطح‌بندی روستاهای نمونه بر مبنای خروجی مدل Vikor از نظر وضعیت شهرگرایی، به صورت گرافیکی و با طراحی نقشه در نرم‌افزار ArcGIS 10.3 انجام شد.

1. Entropy

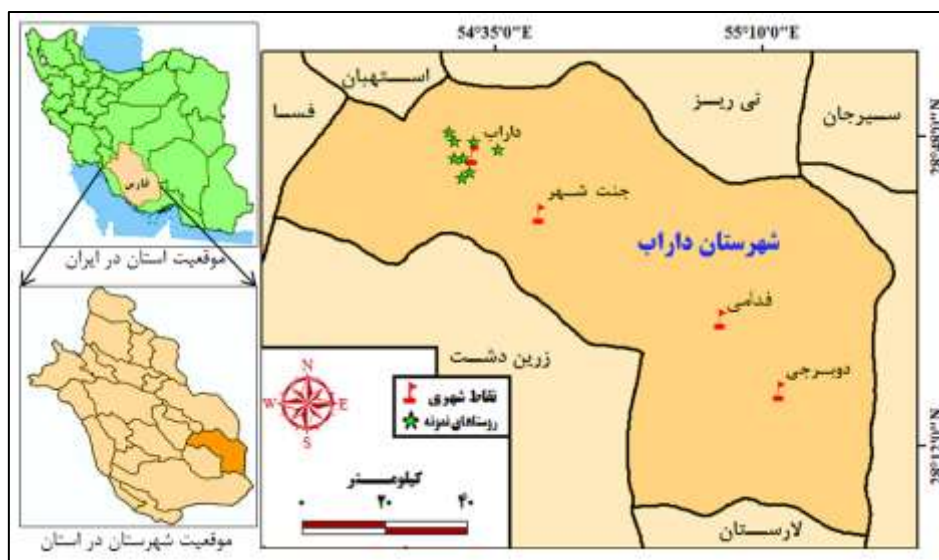
بنابراین، با توجه به چارچوب نظری ارائه شده در این مطالعه، جهت ایجاد ذهنیتی شفاف‌تر از محور پژوهش در راستای تأثیر قرارگیری روستاها پیرامون نقاط شهری، بخش‌ها و زمینه‌های متعدد زندگی جامعه روستایی، مدل مفهومی تحقیق حاضر ارائه گردیده است (شکل ۱).



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش (ترسیم: نگارندگان)

قلمرو پژوهش

در راستای معرفی محدوده مورد مطالعه می‌توان این‌گونه بیان نمود که شهرستان داراب با قدمتی چند هزارساله در جنوب شرقی استان فارس قرار دارد و با شهرستان‌های زرین‌دشت، استهبان، نیریز، فسا، لارستان و استان هرمزگان هم‌جوار می‌باشد (شکل ۲). شهر داراب با مختصات $54^{\circ}54'44''$ طول شرقی و $28^{\circ}07'68''$ عرض شمالی و مساحت حدود 2500 کیلومترمربع و ارتفاع 1170 متر از سطح دریا، در فاصله 240 کیلومتری تا شهر شیراز واقع شده است (فرمانداری شهرستان داراب، ۱۳۹۸). از نظر آب‌وهوایی گرمسیری بوده که متوسط دمای سالانه آن 22 درجه سانتی‌گراد ثبت گردیده است. همچنین بارش‌های آن بیشتر به‌صورت باران پدیدار می‌شود که در طول سال از 350 میلی‌متر تجاوز نمی‌کند (نسیمی، ۱۳۹۶، ۹۰-۹۱). جمعیت این شهرستان در سرشماری سال 1395 مرکز آمار ایران برابر با $201/489$ نفر بوده است که تنها تعداد $70/232$ نفر از آن مربوط به خود شهر داراب می‌باشد.



شکل ۲- موقعیت محدوده مورد مطالعه (ترسیم: نگارندگان)

جمع‌آوری اطلاعات از طریق تکمیل فرم‌های مشاهدات میدانی از روستا، پرسشنامه و مصاحبه از خانوارها انجام گردید. جامعه آماری این پژوهش شامل روستاهای واقع در پیرامون شهر داراب می‌باشد که تعداد ۸ روستا به جهت دارا بودن ویژگی‌های خاص و با توجه به تشخیص نگارندگان، به‌عنوان جامعه نمونه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند (جدول ۲).

جدول ۲- ویژگی‌های کلی روستاهای نمونه

نام روستا	جمعیت	خانوار	فاصله تا شهر به کیلومتر	نام روستا	جمعیت	خانوار	فاصله تا شهر به کیلومتر
نیدیشه	۸۰۹	۲۲۷	۶	شهنان	۱۸۳۸	۵۵۸	۵
فتح‌المبین	۱۸۵۰	۵۰۶	۹/۵	اکبرآباد	۴۳۰	۱۲۳	۴
سنگ‌چارک	۱۱۰۶	۳۴۰	۴/۵	ثارالله	۳۴۹۳	۳۸۸	۶
تنگ‌کتوبه	۴۴۱۶	۱۲۹۰	۳	دوبان	۹۸۴	۲۸۷	۴

منبع: یافته‌های تحقیق

یافته‌ها

ویژگی‌های توصیفی پاسخگویان نشان می‌دهد که ۷۸/۶ درصد از آن‌ها را مردان و ۲۱/۴ درصد زنان تشکیل می‌دهند. از نظر سنی، بیشتر افراد (با ۴۱/۵ درصد)، در گروه سنی ۳۶ تا ۵۰ سال و کمترین درصد از افراد (با ۲۲/۶ درصد)، در گروه سنی بالای ۵۰ سال قرار داشته‌اند. از نظر سطح تحصیلات، بیشترین فراوانی مربوط به تحصیلات دیپلم بوده است که ۳۷/۷ درصد از پاسخگویان را شامل می‌شوند. همچنین از لحاظ اشتغال، مشاغل کشاورزی و آزاد به ترتیب (با ۳۳ و ۲۸/۶ درصد) بیشترین تعداد را از جامعه نمونه به خود اختصاص داده‌اند.

بررسی وضعیت هریک از شاخص‌های مربوط به مؤلفه‌های مورد مطالعه در زمینه شهرگرایی روستاهای نمونه، مؤید آن است که از نگاه پاسخگویان، سطح تمام شاخص‌ها در این روستاها، بالاتر از متوسط نظری (۳) و در حد مطلوب بوده است. به‌گونه‌ای که از میان شاخص‌های در نظر گرفته شده، بالاترین میزان میانگین متعلق به ساخت‌وسازهای با معماری غیربومی و مصالح جدید، وضعیت خدمات زیربنایی و عمومی، رعایت بهداشت عمومی و حفظ پاکیزگی محیط و کمترین سطح میانگین مربوط به میزان تعامل با نهادهای دولتی، میزان حضور و همفکری زنان در امور روستا، خروج روستا از انزوا با پیشرفت فن‌آوری و ارتباطات، فردگرایی و کم‌رنگ شدن ارتباطات اجتماعی می‌باشد (جدول ۳).

جدول ۳- وضعیت شاخص‌های قابل توجه در زمینه شهرگرایی روستاهای مورد مطالعه

شماره	شاخص	میانگین	اختلاف میانگین	انحراف معیار	واریانس	مد
A1	وضعیت سطح آگاهی در محیط‌های روستایی	۴/۰۵۰	۱/۰۵۰	۰/۷۴۸	۰/۵۵۹	۴
A2	حذف و رنگ‌باختگی تدریجی آداب‌ورسوم و سنن‌های پیشین	۳/۷۶۱	۰/۷۶۱	۰/۶۵۰	۰/۴۲۲	۴
A3	فردگرایی و کم‌رنگ شدن ارتباطات اجتماعی	۳/۶۲۹	۰/۶۲۹	۰/۵۲۴	۰/۲۸۵	۴
A4	میزان حضور و همفکری زنان در امور روستا	۳/۶۰۱	۰/۶۰۱	۰/۷۳۷	۰/۵۴۳	۴
A5	تخصیص منزل به مکانی برای استراحت و آرامش نه سایر کارکردها	۳/۹۶۵	۰/۹۶۵	۰/۷۱۲	۰/۵۰۷	۴
B1	تغییر در نگرش جوانان نسبت به زندگی در روستا	۳/۶۸۶	۰/۶۸۶	۰/۷۷۹	۰/۶۰۷	۴
B2	وضعیت امنیت و آرامش در روستا	۳/۷۳۰	۰/۷۳۰	۰/۷۹۶	۰/۶۳۳	۴
B3	ترجیح فراغت‌های لذت‌جویانه به فایده‌گرایانه	۳/۷۰۸	۰/۷۰۸	۰/۶۲۴	۰/۴۰۳	۴
B4	تأمین نیازهای روزمره توسط فروشگاه‌های روستایی	۴/۱۳۲	۱/۱۳۲	۰/۷۸۰	۰/۶۰۷	۴
B5	رعایت بهداشت عمومی و پاکیزگی محیط	۴/۱۸۹	۱/۱۸۹	۰/۷۳۴	۰/۵۳۸	۴
C1	خروج روستا از انزوا با پیشرفت فناوری‌ها	۳/۸۸۱	۰/۸۸۱	۰/۸۲۱	۰/۶۷۳	۴
C2	الکترونیکی شدن بخش‌هایی از امور و زندگی در روستا	۳/۶۱۳	۰/۶۱۳	۰/۶۴۴	۰/۴۱۵	۴
C3	میزان گرایش به مصرف کالاهای متنوع و وسایل غیرضروری زندگی	۴/۱۰۴	۱/۱۰۴	۰/۶۸۷	۰/۴۷۲	۴

C4	استفاده از واژه‌ها و اصطلاحات جدید	۳/۹۵۰	۰/۹۵۰	۰/۶۴۸	۰/۴۲۰
D1	وضعیت ارتباط روستاییان با شهر	۳/۸۸۴	۰/۸۸۴	۰/۶۶۲	۰/۴۳۸
D2	وضعیت رواج شرایط زندگی شهری در محیط‌های روستایی	۳/۷۰۴	۰/۷۰۴	۰/۷۰۷	۰/۴۹۹
D3	میزان تعامل با نهادهای دولتی	۳/۵۷۲	۰/۵۷۲	۰/۶۳۵	۰/۴۰۳
D4	تسلط بازارهای بیرونی بر بازارهای روستایی	۳/۷۳۹	۰/۷۳۹	۰/۷۴۰	۰/۵۴۷
E1	تمایل به نوسازی منازل	۴/۱۴۵	۱/۱۴۵	۰/۷۴۰	۰/۷۰۵
E2	ساخت‌وسازهای با معماری غیربومی و مصالح جدید	۴/۳۸۴	۱/۳۸۴	۰/۷۵۶	۰/۵۷۲
E3	وضعیت خدمات زیربنایی و عمومی	۴/۲۸۰	۱/۲۸۰	۰/۷۷۰	۰/۵۹۳
E4	میزان زیباسازی و منظر مطلوب در روستا	۳/۹۴۳	۰/۹۴۳	۰/۷۵۶	۰/۵۷۱
E5	کیفیت فضاهای تفریح همچون، پارک	۳/۸۶۵	۰/۸۶۵	۰/۸۵۰	۰/۷۲۳

منبع: یافته‌های تحقیق

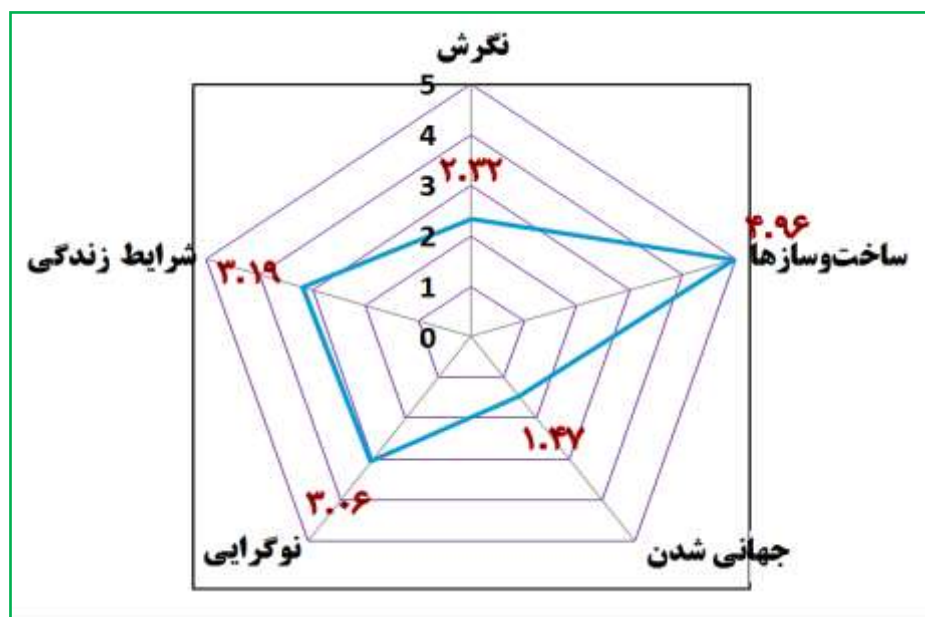
همچنین برای مقایسه و رتبه‌بندی سطح مؤلفه‌های مختلف وضعیت شهرگرایی زندگی خانوارهای مورد مطالعه در روستاهای پیرامون شهر داراب، از آزمون فریدمن استفاده گردید. بر این اساس، با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۰) به دست آمده، با اطمینان ۹۹ درصد، تفاوت قابل توجهی بین سطح متغیرهای شهرگرایی در مؤلفه‌های مورد بحث وجود دارد (جدول ۴).

جدول ۴- نتایج حاصل از آزمون فریدمن

تعداد	کای اسکوار	درجه آزادی	معناداری
۳۱۸	۹۱۰/۱۷۲	۴	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج دیگر این آزمون برای رتبه‌بندی و مقایسه مؤلفه‌های مختلف، به صورت نمودار و برحسب میانگین رتبه‌ای آن‌ها ارائه شده است؛ بنابراین می‌توان ملاحظه نمود که متغیرهای معرف شهرگرایی زندگی در روستاهای پیرامون شهر داراب، به یک میزان متحول نشده‌اند. همان‌طور که در شکل (۳) ملاحظه می‌شود، مؤلفه مربوط به وضعیت ساخت‌وسازها به دلیل نزدیکی به شهر و بهره‌مندی از برخی خدمات شهر، اطلاع و دسترسی آسان به انواع سبک‌ها، کالاها، مواد و مصالح موردنیاز و همچنین الگوپذیری مستقیم از شهر و نهایتاً بهره‌مندی بیشتر به نسبت سایر روستاها از شکل و شمایل شهری، دارای بالاترین سطح از بین سایر مؤلفه‌ها و همچنین کمترین سطح از شهرگرایی مربوط به وضعیت جهانی‌شدن در فضاهای روستایی نیز می‌باشد (شکل ۳).



شکل ۳- نمودار عنکبوتی از وضعیت هریک از مؤلفه‌های مورد مطالعه شهرگرایی در روستاهای نمونه (ترسیم: نگارندگان)

طبق آزمون آماری کروسکال والیس (H) که جهت سنجش وضعیت شهرگرایی بین روستاهای مورد مطالعه در پیرامون شهر داراب، در سطح اطمینان ۹۹ درصد گرفته شد، چون مقدار Sig کوچک‌تر از ۰/۰۱ شده در نتیجه شدت شهرگرایی در بین روستاهای نمونه برابر نمی‌باشد یا به بیانی دیگر، تفاوت معناداری در زمینه متغیرهای مطرح شده در بین هریک از روستاهای مورد مطالعه وجود دارد. در نتیجه عواملی چند با میزان شهرگرایی هریک از روستاها در ارتباط خواهند بود که در ادامه به دو مقوله مهم در این زمینه می‌پردازیم (جدول ۵).

جدول ۵- نتایج حاصل از آزمون کروسکال والیس در بررسی وضعیت شهرگرایی روستاهای هدف

وضعیت شهرگرایی در بین روستاها	کای اسکوار	درجه آزادی	معناداری
	۳۰۱/۵۲۰	۷	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

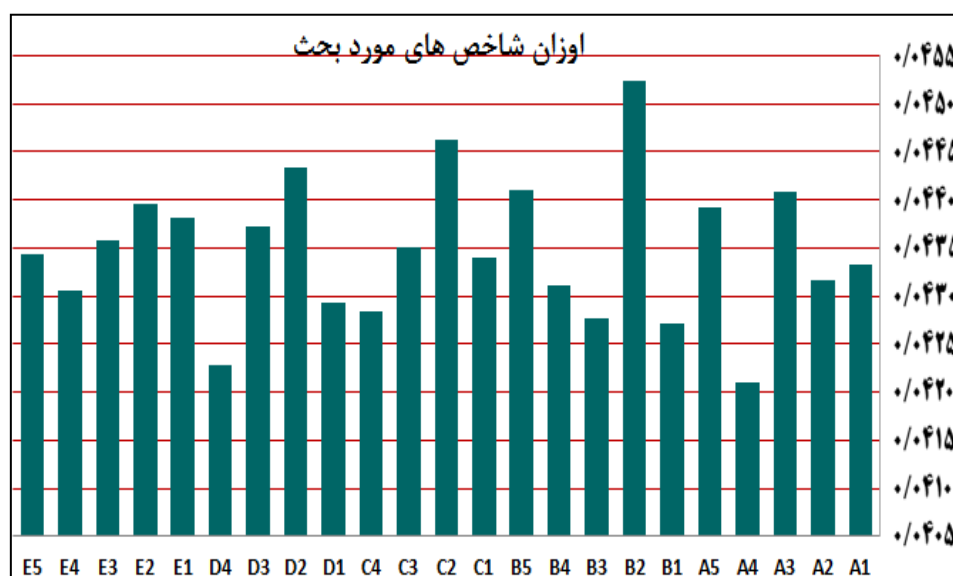
بی‌تردید متفاوت بودن وضعیت شهرگرایی روستاها به شرایط متعددی برمی‌گردد که در اینجا ما به بررسی ارتباط مقوله فاصله قرارگیری روستاهای نمونه تا شهر داراب و تعداد خانوار ساکن در هر یک از آن‌ها با سطح شهرگرایی روستاها می‌پردازیم. لذا به منظور تحلیل ارتباط بین متغیر فاصله و تعداد خانوار هریک از روستاهای پیرامون شهر داراب، با توجه به غیرنرمال بودن داده‌ها، از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده نمودیم نتایج بررسی نشان داد که متغیر فاصله، با قبول خطای کمتر از یک درصد، رابطه منفی و نسبتاً قوی با تمام مؤلفه‌های شهرگرایی در خانوارهای ساکن در روستاهای مورد مطالعه دارد و بیشترین همبستگی را با مؤلفه وضعیت نگرش روستاییان داشته است. همچنین بر اساس نتایج دیگر این آزمون، متغیر تعداد خانوار این روستاها با وضعیت شهرگرایی آن‌ها در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه مثبت و نسبتاً قوی با تمام بخش‌های شهرگرایی در خانوارهای ساکن در روستاهای نمونه داشته است، به نحوی که افزایش جمعیت روستاها، خود سوق دهنده شهرگرایی هرچه بیشتر افراد می‌باشد و بیشترین میزان همبستگی را با مؤلفه‌ی وضعیت شرایط زندگی در روستا داشته است (جدول ۶).

جدول ۶- نتایج بررسی همبستگی بین میزان فاصله تا شهر و تعداد خانوار هر روستا با سطح شهرگرایی آن

متغیرهای تحقیق		نگرش	شرایط زندگی	نوگرایی	جهانی شدن	ساخت و سازها
فاصله قرارگیری تا شهر داراب	ضریب همبستگی	-۰/۸۱۳	-۰/۷۴۴	-۰/۷۶۷	-۰/۷۹۵	-۰/۷۹۳
	معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
تعداد خانوار ساکن در هر روستا	ضریب همبستگی	۰/۸۱۴	۰/۸۶۴	۰/۸۵۴	۰/۸۳۸	۰/۸۶۱
	معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	تعداد روستا	۸	۸	۸	۸	۸

منبع: یافته‌های تحقیق

از طرف دیگر، برای رتبه‌بندی روستاهای مورد مطالعه از نظر وضعیت شهرگرایی در بین هریک از روستاهای پیرامون شهر داراب، بر اساس مدل ویکور، از ۲۳ شاخص بارز استفاده شد. بر این اساس، ابتدا مقادیر نرمال شده داده‌های مربوط به شاخص‌ها، بی‌مقیاس‌سازی گردید. سپس به منظور دستیابی به اهمیت نسبی متغیرها، وزن نسبی آن‌ها تعیین شدند. در این تحقیق به منظور تعیین درجه اهمیت نسبی معیارها، وزن‌دهی به متغیرها از طریق مدل آنتروپی صورت گرفت. بر این اساس، نتایج حاصل از وزن‌دهی نشان داد که شاخص‌های وضعیت امنیت و آرامش در روستا، الکترونیکی شدن بخش‌هایی از امور و زندگی در روستا و وضعیت رواج شرایط زندگی شهری در محیط‌های روستایی، بیشترین و میزان حضور و همفکری زنان در امور روستا، استفاده از واژه‌ها و اصطلاحات جدید و تغییر در نگرش جوانان نسبت به زندگی در روستا کمترین وزن و اهمیت را به خود اختصاص داده‌اند (شکل ۴).



شکل ۴- وزن‌های حاصل از رتبه‌بندی نهایی هریک از شاخص‌های معرف وضعیت شهرگرایی در روستاهای مورد مطالعه (ترسیم: نگارندگان)

در ادامه پس از تعیین بیشترین و کمترین ارزش توابع معیارها، ارزش شاخص مطلوبیت (S) و شاخص نارضایتی (R) در روستاهای مورد مطالعه محاسبه شد. به این منظور، ابتدا وزن‌های به‌دست آمده، بر ماتریس تصمیم‌گیری ضرب شده، سپس ارزش‌های S و R به دست آمدند. در مرحله‌ی بعد، شاخص ویکور (Q) که همان امتیاز نهایی هر گزینه است، محاسبه گردید. مقدار Q بیانگر رتبه نهایی هر روستا از مجموع متغیرهای مورد مطالعه می‌باشد. بر این اساس، در این روش رتبه‌بندی، هر چه مقدار Q بالاتر باشد، به‌منزله افزایش سطح شهرگرایی آن روستا خواهد بود. در این راستا، نتایج

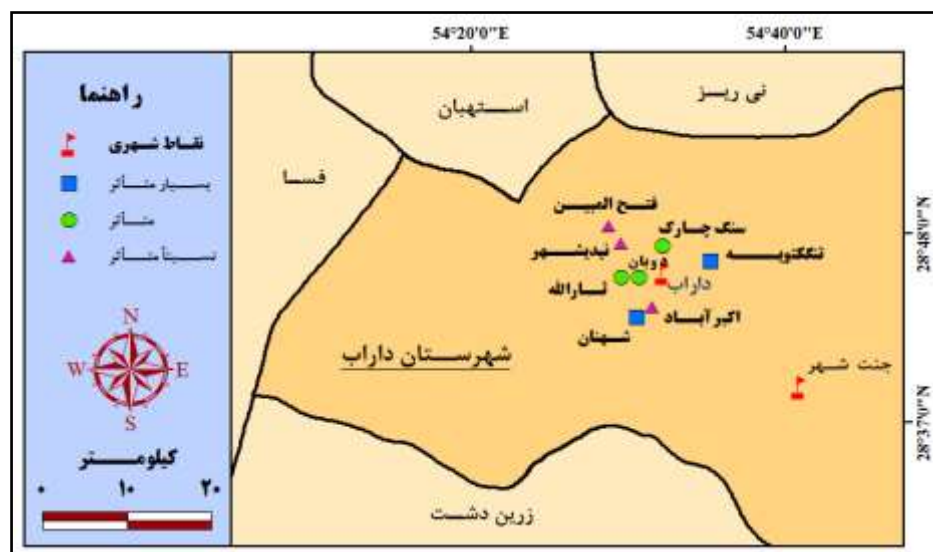
رتبه‌بندی روستاهای نمونه بر اساس متغیرهای موردبررسی، با استفاده از تکنیک Vikor بیانگر آن است که روستای تنگه‌کنویه در بالاترین و روستای اکبرآباد در پایین‌ترین سطح از وضعیت شهرگرایی قرار دارند (جدول ۷).

جدول ۷- رتبه‌بندی روستاهای نمونه بر اساس شدت شهرگرایی آن‌ها

روستا	تنگه‌کنویه	ثارالله	دوبان	فتح‌المبین	شهنان	سنگ‌چارک	اکبرآباد	نیدیشهر
شاخص مطلوبیت (S)	۰/۰۰۹	۰/۵۱۴	۰/۴۱۷	۰/۶۶۱	۰/۳۱۹	۰/۵۴۸	۰/۹۳۹	۰/۷۹۵
شاخص نارضایتی (R)	۰/۰۰۹	۰/۰۴۴	۰/۰۴۳	۰/۰۴۳	۰/۰۴۲	۰/۰۳۶	۰/۰۴۵	۰/۰۴۵
شاخص ویکور (Q)	۱/۰۰۰	۰/۲۴۶	۰/۳۱۵	۰/۱۸۳	۰/۳۸۲	۰/۳۳۱	۰/۰۰۰	۰/۰۸۶

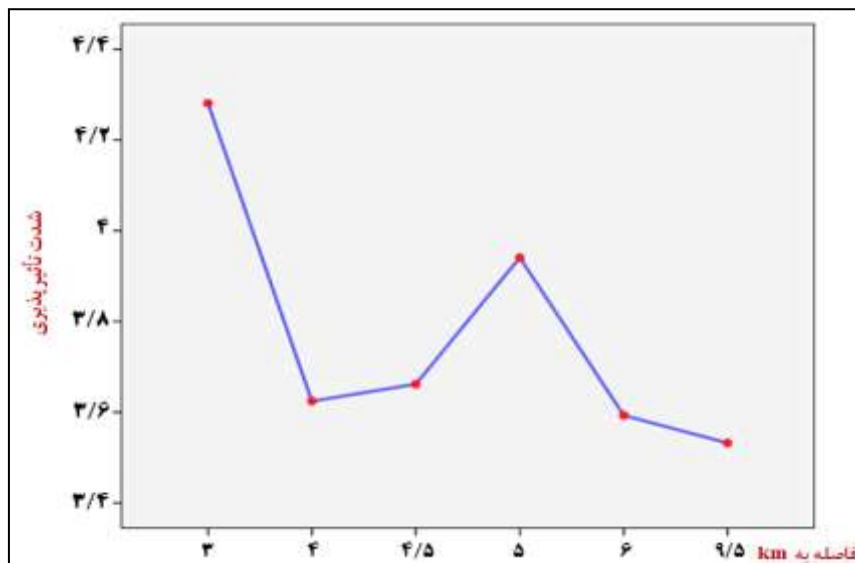
منبع: یافته‌های تحقیق

همچنین با توجه به نتایج حاصل از خروجی نهایی مدل مورد استفاده، روستاهای پیرامون شهر داراب بر اساس سطح کلی شهرگرایی طبقه‌بندی گردید. بررسی چگونگی پراکنش روستاهای مورد مطالعه بر پایه معیارهای مورد نظر بیانگر آن است که عمدتاً روستاهای پرجمعیت و نزدیک به شهر داراب، به دلیل برقراری ارتباط قوی‌تر و آسان‌تر با شهر، در سطح مطلوب‌تری از سایر روستاها می‌باشند. در مقابل، روستاهای کم‌جمعیتی که در فواصل دورتر واقع‌اند، اکثراً در سطح پایین‌تری نیز بوده‌اند (شکل ۵).



شکل ۵- وضعیت پراکنش روستاهای مورد مطالعه بر اساس خروجی نهایی مدل ویکور (ترسیم: نگارندگان)

بررسی و مقایسه میزان تأثیرپذیری از فرایندهای شهرگرایی روستاهای پیرامون شهر داراب در هریک از فواصل قرارگیری روستاهای نمونه نشان داد که وضعیت تأثیرپذیری روستاها از فرایندهای شهرگرایی، در فواصل مختلف قرارگیری آن‌ها تا شهر داراب، متفاوت می‌باشد. در این راستا، از بین فواصل مختلف قرارگیری هر کدام از روستاهای مورد مطالعه تا شهر، فاصله ۳ کیلومتر تا شهر بیشترین و فاصله ۹/۵ کیلومتر کمترین شدت تأثیرپذیری را از شهرگرایی پذیرفته‌اند. همچنین لازم به ذکر است که روستای شهنان که در فاصله ۵ کیلومتری از شهر قرار دارد، به دلیل بالا بودن میزان جمعیت خود و سطح مناسب شرایط اقتصادی به دلیل وجود اراضی حاصل خیز کشاورزی، نسبت به سایر روستاها از متغیر فاصله در زمینه شهرگرایی کمتر تأثیر پذیرفته است (شکل ۶).



شکل ۶- میزان تأثیرپذیری از فرآیندهای شهرگرایی در فواصل مختلف قرارگیری تا شهر داراب (ترسیم: نگارندگان)

نتیجه‌گیری

بی‌تردید، جهانی‌شدن فرآیند اجتناب‌ناپذیری است که جوامع شهری و روستایی معاصر را در تمام ابعاد زندگی متأثر ساخته است. این روابط موجب ایجاد تغییرات عمده‌ای در ابعاد مختلف روستاها و نیز حرکت به‌سوی توسعه و شهرگرایی آن‌ها شده است؛ اما آنچه این پژوهش را متفاوت نموده است، بررسی وضعیت شهرگرایی روستاهای پیرامون شهر داراب (به‌عنوان مرکز توزیع) می‌باشد. در طی سال‌های اخیر روستاهای پیرامون شهر داراب به دلیل مسائلی همچون مسکن ارزان‌قیمت، نزدیکی به شهر و دستیابی آسان‌تر به خدمات شهری و مقوله اشتغال، به‌عنوان روستاهای خوابگاهی، پذیرای جمعیت زیادی بوده که در نتیجه این روند شرایط برای رشد و توسعه این روستاها به نسبت دیگر روستاها سریع‌تر فراهم آمده و متعاقباً وضعیت شهرگرایی در این روستاها ارتقاء داشته است. تحلیل فضایی چنین تغییراتی نشان می‌دهد که با فاصله از شهر، پدیده پیراشهرنشینی به صورت گوناگون و با شدت شهرگرایی متفاوتی، جلوه‌گر می‌گردد. بنابراین خروج روستا از انزوا با پیشرفت فن‌آوری و ارتباطات و حرکت به سمت مدرنیته، تحولات ساختاری و کارکردی در همه ابعاد زندگی، باورها، ارزش‌ها و گرایش‌های افراد به‌ویژه نسل جدید پدید آورده است.

در این راستا، بررسی وضعیت متغیرهای مربوط به مؤلفه‌های مورد مطالعه در زمینه شهرگرایی در روستاهای نمونه، از نگاه پاسخگویان نشان داد که سطح تمام شاخص‌ها بالاتر از حد متوسط و در شرایط مطلوب می‌باشد. بر این اساس، از بین مؤلفه‌های مورد مطالعه، مؤلفه مربوط به وضعیت ساخت‌وسازها در بالاترین سطح از شهرگرایی قرار دارد چرا که افزایش جمعیت نیز ایجاد مسکن بیشتری جهت اسکان افراد به دنبال خواهد داشت. این امر منجر به رشد و توسعه ساخت‌وسازها در این روستاها (به نسبت سایر روستاها) می‌شود. همچنین مؤلفه وضعیت نوگرایی نیز در پایین‌ترین سطح از شهرگرایی قرار دارد که این شاخص هم در روستاهای پیراشهری که روند شتابان توسعه‌ای به خود گرفته‌اند نسبت به سایر روستاها بالاتر است. نتایج دیگر این پژوهش در قالب آزمون آماری کروسکال‌والیس با اطمینان ۹۵ درصد، نشان داد تفاوت معناداری در زمینه شهرگرایی در میان روستاهای پیرامون شهر داراب حاصل شده است که این امر به شدت و ضعف متغیرهای مورد بررسی در هریک از روستاهای نمونه برمی‌گردد. نتایج رتبه‌بندی روستاهای نمونه با استفاده از تکنیک تصمیم‌گیری چند معیاره Vikor حاکی از آن است که روستای تنگه‌کتویه در بالاترین و روستای اکبرآباد در پایین‌ترین سطح از وضعیت شهرگرایی می‌باشند. نتایج حاصل از بازیدها و مشاهدات میدانی در بین روستاهای مورد

بررسی مانند نتایج حاصل از مدل مورد استفاده به وضوح سرعت شهرگرایی و متحول شدن فضا از حالت روستایی به شهری در روستای تنگ کتویه را نشان می‌دهد، به نحوی که این احتمال می‌رود در آینده‌ای بسیار نزدیک امکان تبدیل شدن این روستا به عنوان یک شهرک و یا پیوستن به شهر داراب عنوان بخشی از آن امری روشن تلقی گردد. نتایج دیگر این پژوهش نشان داد که میزان شهرگرایی روستاهای مورد مطالعه با دو متغیر فاصله و میزان جمعیت دارای همبستگی معناداری می‌باشد؛ بنابراین هر قدر فاصله بین روستا تا شهر بیشتر باشد روند شهرگرایی آن روستا به صورت بطئی پیش می‌رود. همچنین با افزایش جمعیت روستا (به دلیل نزدیکی به شهر و کارکرد خوابگاهی) شدت شهرگرایی روستا تسریع می‌یابد. از طرفی متغیر فاصله روستا تا شهر و میزان جمعیت روستا در سطح خطای کمتر از 0.1 با ضریب همبستگی 0.604 دارای رابطه متوسط به بالایی می‌باشد. لذا نزدیکی روستا به شهر می‌تواند زمینه‌ساز جذب جمعیت از سایر روستاها (و حتی جمعیت شهری) گردد که قدر مسلم به دنبال آن سطح شهرگرایی روستاهای پیرامونی نیز افزایش می‌یابد. شایان ذکر است که پدیده جذب جمعیت از سایر روستاها و امر مهاجرت معکوس از شهر به روستا، در روستاهای تنگ کتویه، ثارالله و سنگ چارک که در فواصل نزدیکی تا شهر داراب واقع هستند روند افزایشی داشته است. بنابراین، این روند رو به رشد در بین روستاهای پیرامونی شهر داراب، به مثابه چارچوب‌های نوین تفکر و آگاهی در عرصه مطالعات و برنامه‌ریزی‌ها، تحولاتی را به همراه خواهد داشت و حتی نوعی مشروعیت بخشیدن به رشد و توسعه سریع روستاهای پیرامون شهر داراب تلقی می‌شود و خصیصه اصلی آن را نادیده انگاری بعضی از واقعیت‌های پیچیده شهری و فرهنگ جامعه روستایی خواهد بود که تنها به دلیل مطلوبیت شرایط زندگی در نواحی پیراشهری برای اقشاری خاص، همواره تحت فشار فزاینده جهت توسعه روزافزون بوده و این امر منجر به شکل‌گیری این چنین فضاهایی انحصاری گردیده که همچون دروازه‌ای، از حضور و بهره‌مندی گروهی مشخص از جامعه برای استفاده از منابعی مشخص از شهر داراب به عنوان مرکز توزیع، کنترل به عمل می‌آید. این فضاها به طور مستقیم و با سرعت بیشتری با آرمان‌های برنامه‌ریزی فضای روستایی غالب، در تعارض قرار می‌گیرند. تعارض استفاده و بهره‌مندی از ابعاد مختلف منافع برای ساکنین این فضاها به عنوان اجتماعات دروازه‌ای نمودهای عینی‌ای به وجود می‌آورد که می‌تلبد در پژوهشی دیگر به صورت جامع و تخصصی مطالعه و پرداخته شود.

با توجه به اینکه در گذشته پیرامون وضعیت شهرگرایی در روستاهای پیراشهری تحقیقی به صورت یکجا انجام نشده است، با این وجود، مقایسه برخی نتایج پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات پیشین در بررسی برخی متغیرهای مشابه، بیانگر همسویی نتایج حاصل، با پژوهش‌های گذشته می‌باشد. به عنوان نمونه در حوزه سرعت متحول شدن جوامع روستایی نزدیک به جوامع بزرگ‌تر (شهر)، در پژوهش وثوقی و همکاران (۱۳۸۸)، به این تأثیرگذاری آشکار و ملموس فرایندهای شهرگرایی در اجتماعات محلی اشاره گردیده است، همچنین در زمینه نقش فاصله قرارگیری و میزان نزدیکی به شهر بر شدت تأثیرپذیری از شهرگرایی، قاسمی و همکاران ۱۳۹۶، به اثرات شهرگرایی قوی روستاهای واقع در مجاورت با کلان‌شهر مشهد و بهره‌مندی آن‌ها از امتیازاتی نسبت به سایر روستاهای دیگر اشاراتی شده است که می‌توان نتایج کار تحقیقاتی آن‌ها به عنوان مثال‌هایی همسو با نتایج پژوهش حاضر به حساب آورد.

پیشنهادها

با توجه به نتایج این تحقیق، برای بهبود روزافزون وضعیت شهرگرایی و ارتقای آثار و نتایج آن در روستاهای پیراشهری، پیشنهادهای زیر مؤثر به نظر می‌رسد:

— دستیابی به منافع بالقوه شهرگرایی و توسعه روستاهای پیراشهری نیازمند مدیریت اقتصادی و سیاست‌گذاری کارآمد از طرف سیاست‌گذاران اقتصادی و مدیران ارشد روستایی است.

- در فرآیند شهرگرایی لازم است که پتانسیل‌ها و نقاط قوت روستاها برای عرضه در محیط‌های فرامحلی شناسایی و تقویت شود.
- جهت استفاده هرچه بهتر و مناسب‌تر از اثرات شهرگرایی بایستی به روستاها به‌عنوان ریشه اصلی توسعه کشور توجه و تأکید بیشتری صورت گیرد و در این راستا می‌توان از تجربیات موفق سایر روستاهای پیراشهری الگوبرداری نمود.
- در روند شهرگرایی جهت سازگاری نیازها و ساختارهای محلی با روندهای امروزی، می‌بایست ویژگی‌ها و شکل‌های شهرگرایی را در قالب نیازها و تقاضاهای محلی درآورد.
- به‌منظور پاسخگویی به نیازهای زندگی نسل حاضر و انطباق بیشتر آن با شرایط زندگی نسل‌های آتی، توجه به کارآمدی هرچه بیشتر فضاهای در حال ساخت روستایی طی طرح‌های توسعه روستایی، متناسب با فرآیند روزافزون شهرگرایی الزامی خواهد بود.
- توجه افراد به روستاهای پیراشهری می‌تواند از رشد بی‌رویه شهر داراب جلوگیری نموده و از سویی دیگر موجب کاهش هزینه‌های زیرساخت‌های شهری شده و باعث دسترسی راحت شهروندان به سطح پایین‌تر خدمات و کاهش هزینه مسکن و همچنین صرفه‌جویی در مصرف زمین شود.
- با توجه به گسترش روند شهرنشینی در دهه‌های اخیر، راهبردهای صرف کالبدی در قالب طرح‌های هادی با پیروی از اصول مدرنیسم شهرها در کنار راهبردهایی که ظرفیت بومی و سنتی روستاها را در نظر گرفته است، صورت پذیرد تا پاسخگوی چالش‌های متنوع موجود باشد. به بیانی دیگر، طراحی شهری و روستایی می‌بایستی به ریشه‌ها و خاستگاه خود بازگردد و شالوده‌هایی نو در عرصه مطالعات شهری و روستایی بر مبنای ارزش‌های برنامه‌ریزی همچون عدالت اجتماعی و منافع همگانی برای مواجهه با فرآیندهای به وجود آمده در دوران جدید فراهم آورد، به طوری که همراه مضامینی همچون سرزندگی و حس تعلق مکانی، مفاهیم عمیق‌تر در حوزه عدالت محیطی، اجتماعی، انصاف اجتماعی اقتصادی و قومی در ارتباط با تفاوت‌ها، تنوع‌ها و پایداری بوم‌شناختی نیز مورد توجه طراحان و برنامه‌ریزان قرار گیرد (بازگشت به برنامه‌ریزی و احیای جایگاه واقعی طراحی شهری و روستایی).

References:

- ازکیا، مصطفی؛ حسینی‌رودبارکی، سکینه (۱۳۸۸). *تغییرات نسلی سبک زندگی در جامعه روستایی*. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۳۷، صص ۲۶۴-۲۴۱.
- اصغری‌لهمجانی، صادق؛ نظری، یاسر؛ سرگزی، زهرا (۱۳۹۵). *نقش محدودیت‌های محیطی بر توسعه کالبدی فضایی شهرها و اثرات آن بر روستاهای پیرامون (مطالعه موردی: شهر جوانرود)*. فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۶، شماره ۲۲، صص ۱۹۰-۱۷۷.
- باقری، حسین؛ صحرائی، فرامرز؛ ابن‌الرضا، سید مجید (۱۳۹۵). *شناسایی استراتژی‌های شهرگرایی اقتصاد در حوزه دیپلماسی شهری (مطالعه موردی: کلان‌شهر تهران)*. فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری، دوره ۴، شماره ۶۱، صص ۱۰۶-۸۷.

- بزرگمهر، کیا؛ شریفی، سیدمحمد (۱۳۹۴). *بررسی تأثیر شهرداری‌ها بر کیفیت زندگی شهروندان (موردپژوهش شهرستان رامسر)*. دومین کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار. جمع‌پور، محمود (۱۳۹۶). *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها*. تهران: انتشارات سمت، ص ۲۶۴.
- حسین‌زاده‌دلیر، کریم (۱۳۹۳). *برنامه‌ریزی ناحیه‌ای*. تهران: انتشارات سمت، ص ۲۶۸.
- حیدری‌ساربان، وکیل؛ عبدپور، علیرضا (۱۳۹۸). *عوامل بهبود معیشت پایدار روستایی از دیدگاه ساکنان محلی، مطالعه موردی: شهرستان اردبیل*. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۱۹، شماره ۵۴، صص ۳۳-۴۶.
- دانشپور، سید عبدالهادی؛ صرافی، مظفر؛ آشنایی، تکتیم (۱۳۹۵). *تحولات پیرانشهرنشینی در هاله کلانشهری تهران در دوره ۱۳۸۵ - ۱۳۷۵ خورشیدی به سوی توسعه‌ای سازنده یا گسترشی پراکنده*. دوفصلنامه دانشگاه هنر، دوره ۱۶، صص ۳۳-۵.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۴). *شهرداری و توسعه پایدار*. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۷، شماره ۴، صص ۴۵-۶۶.
- دهقانی، امین (۱۳۹۶). *تحلیل پیامدهای شهرداری بر ابعاد زندگی جوامع عشایری اسکان یافته (کانون‌های اسکان عشایری استان فارس)*. فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۷، شماره ۲۷، صص ۳۵-۴۶.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۶). *فرهنگ مطالعات جوانان*. نشر آگه، ص ۱۸۴.
- رفیعی، محمدتقی؛ دباغی، مجید (۱۳۹۵). *رویکردهای گوناگون نسبت به شهرداری حقوق زنان*. فصلنامه خانواده پژوهی، دوره ۱۲، شماره ۴۸، صص ۶۱۳-۶۴۷.
- زیاری، کرامت‌الله (۱۳۹۶). *مکتب‌ها، نظریه‌ها و مدل‌های برنامه و برنامه‌ریزی منطقه‌ای*. انتشارات موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۳۲.
- سجاسی‌قیداری، حمدالله؛ صادقلو، طاهره؛ شهدادی، علی (۱۳۹۴). *اثرات شهرداری بر تغییرات سبک زندگی در نواحی روستایی*. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۷، شماره ۴، صص ۱۸۸ - ۱۵۳.
- سجاسی‌قیداری، حمدالله؛ محمودی، حمیده؛ هوایی، حوری (۱۳۹۷). *تحلیل فضایی رضایتمندی روستاییان از کیفیت خدمات آبرسانی شرکت آب و فاضلاب روستایی مطالعه موردی: دهستان فضل شهرستان نیشابور*. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۱۸، شماره ۴۹، صص ۱۹۹-۲۲۰.
- عنابستانی، علی‌اکبر؛ شایان، حمید؛ احمدزاده، سحر (۱۳۹۰). *برآورد میزان تأثیرپذیری مشارکت زنان از سرمایه اجتماعی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان درزاب-شهرستان مشهد)*. مجله تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۱۱، شماره ۲۱، صص ۶۹-۹۰.
- فرامرزی‌عوری، محمد؛ فرامرزی‌اصلی، مهسا؛ جمالی، سیروس؛ ستارزاده؛ داریوش (۱۳۹۸). *بومی‌سازی معیارهای نوشتارگرایی و رتبه‌بندی آن‌ها در شهرهای سنتی (نمونه موردی شهر اردبیل)*. فصلنامه علمی فضای جغرافیایی، دوره ۱۹، شماره ۶۷، صص ۲۶۳-۲۳۲.
- فرمانداری شهرستان داراب (۱۳۹۸). *گزارش وضعیت جغرافیایی شهرستان*.

قادری، نسرين، شمس، علی؛ احدنژادروشتی، محسن؛ هوشمندانمقدم‌فرد، زهرا (۱۳۹۵). *اندازه‌گیری و تحلیل سطح توسعه کشاورزی دهستان‌های شهرستان پیاوه با استفاده از روش ویکور*. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، دوره ۲، شماره ۹۳، صص ۸۱-۱۰۹.

قاسمی، مریم؛ امیدوار، نشاط؛ عاشوری، الهام، نسیمی، زهرا (۱۳۹۶). *بررسی تطبیقی کیفیت زندگی روستائیان مهاجر به روستاهای پیراشهری (مطالعه موردی: دهستان تبادکان شهرستان مشهد)*. مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، دوره ۱۵، شماره ۲۸، صص ۱۴۹-۱۲۳.

گیدنز، آنتونی؛ بردسال، کارن (۱۳۹۶). *جامعه‌شناسی: با تجدیدنظر کامل و روزآمد شده*. ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی، ص ۱۰۷۴.

محمدی، سعدی؛ مرادی، اسکندر؛ حسینی، شرمین (۱۳۹۹). *شناسایی و تحلیل اثرات خزش شهری بر وضعیت توسعه نواحی روستایی پیرامون (مطالعه موردی: روستاهای پیرامون شهر مریوان)*. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۲۰، شماره ۵۶، صص ۷۴-۵۵.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*.

ملک‌پوراصل، بهزاد (۱۳۹۸). *بازاندیشی در نسبت طراحی شهری و برنامه‌ریزی: بازگشت به ریشه‌ها*. نشریه دانش شهرسازی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۳۱-۱۵.

میرکتولی، جعفر؛ کنعانی، محمدرضا (۱۳۹۰). *ارزیابی سطوح توسعه و نابرابری ناحیه‌ای با مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره (مطالعه موردی سکونتگاه‌های روستایی استان مازندران)*. مجله آمایش جغرافیایی فضا، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۸-۳۶.

نجارزاده، محمد (۱۳۹۱). *بررسی تفاوت‌های سبک زندگی گروه‌های شهری و روستایی در ارتباط تا شهرگرایی فرهنگی (مطالعه موردی: اصفهانی و روستاهای آن)*. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۳، شماره ۴، صص ۱۶۴-۱۴۳.

نسیمی، حمیدرضا (۱۳۹۶). *بررسی وضعیت طرح‌های هادی و اثرات آن‌ها در نواحی روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان داراب)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زابل.

مورای، وارویک‌ای (۱۳۸۸). *جغرافیای شهرگرایی*، ترجمه جعفر جوان و عبدالله عبداللهی، نشر چاپار، تهران، ص ۴۵۹.

وثوقی، منصور؛ کاظمی، علی؛ ایمانی، علی (۱۳۸۸). *شهرگرایی و تحولات ساختاری در جامعه روستایی*. مجله جامعه‌شناسی معاصر، دوره ۲، شماره ۱، صص ۳۴-۵.

وودز، مایکل (۱۳۹۰). *جغرافیای روستایی (فرایندها، واکنش‌ها و تجربه‌های بازساخت روستایی)*. مترجمان: محمدرضا رضوانی، صامت فرهادی، ناشر: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ص ۵۵۲.

ویسی، هادی (۱۳۹۶). *درآمدی بر دولت محلی*. تهران: انتشارات سمت، ص ۲۶۰.

هابرماس، یورگن (۱۳۹۲). *شهرگرایی و آینده‌ی دموکراسی: منظومه پساملی*. مترجم: کمال پولادی، تهران: نشر مرکز، ص ۲۶۴.

- Alston, M (2007). *Globalisation, rural restructuring and health service delivery in Australia: policy failure and the role of social work?*. Health & Social Care in the Community, 15(3), pp. 195-202.
- Azizi, J., Taimoori, S. R., Papzan, A., Allahyari, M (2011). **The Impacts of Globalization on Rural Communities of Kermanshah Township**. Iran. Life Science Journal, 8(1), pp. 13-19.
- Cairncross, F (1997). *The death of distance, how the communication revolution will change our Lives*. Harvard school press.
- Dochartaigh, N. O (2007). *Conflict, territory and new technologies: online interaction at a Belfast interface*. Political Geography, 26(4), pp. 474-491.
- Friedman, T (2005). *The world is flat: A brief history of the twenty-first century*. New York: Farrar, Straus & Giroux.
- Fukuyama, F. (1989). *The End of History. The National Internet*, Washington DC: The Nixon Center, (16), pp. 3-18.
- Hooper, B (2009). *Los Angeles school of post -Modern Urbanism*. international Encyclopedia Geography, pp. 293-297.
- Lampič, B., Mrak, I., Slavič, I (2012). *The impacts of globalization in rural areas of Slovenia: examples from the Pomurje and Goriska regions*. Geografski vestnik 84(1), pp. 151-162.
- Lee, Y. J (2008). *Subjective quality of life measurement in Taipei*. Building and Environment, 43(7), pp. 1205-1215.
- Manjunatha, K (2014). *Impact of Globalization on Indian rural and urban life*, Int J Eng & Mgt Sci, 5(4), pp. 274-76.
- Morgan, K (2001). *The exacerbated death of geography: localized learning, innovation and uneven development*, paper presented to the future of innovation studies conference. Eindhoven University of technology, pp. 20- 23.
- Ohmae, K (1990). *The borderless world, The End of the Nation State*. London: Collins.
- Ramandei, L (2020). **Differences of Organizational Effectiveness Between Sapordanco Village and Bonkawir Village District of Waisai City Raja Ampat Regency**. *Pakistan Journal of Social Sciences*, 17(2), pp. 142-148.
- Roberts, Q. W (2008). *Learning from the media: Perceptions of "America" from Chinese students and scholars*. University of Maryland, College Park.
- Sieverts, T (2003). *Cities without cities: an interpretation of the Zwischenstadt*, Routledge.
- Sun, P.L., Xu, Y.Q., Liu, Q.G., Liu, C., Wang, H.L (2017). *Spatiotemporal evolution and driving forces of changes in rural settlements in the poverty belt around Beijing and Tianjin: a case study of Zhangjiakou city*. Hebei Province. Journal of Mountain Science, 14(5), pp. 980-997.
- Wirth, L (1938). *Urbanism as a way of LIFE, The American Journal of Sociology*. July, Volume XLIV, Number 1, pp. 1-24.